



مشارکت اجتماعی و فرهنگ کار در استان کرمان



♦ دکتر داریوش بوستانی

عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان

و قواعد آن می‌گردد. برای غلبه بر سختی‌های طبیعت، انسان ناچار به مشارکت در امور جمعی است؛ برای مثال، در کشوری چون ایران که همواره با چالش کم‌آبی مواجه بوده و کشاورزی نیز منبع حیاتش بوده بدون هنجارهای مشارکت عملاً به نتیجه مطلوب نمی‌رسیده است. سنت‌های غنی از همکاری و مشارکت اجتماعی را می‌توان در حوزه کشاورزی دید. این سنت‌ها عمری به درازای تاریخ دارند و بسیار

یک سؤال عمده که در جامعه‌شناسی طرح می‌شود، این است که جامعه و زندگی جمعی چگونه میسر می‌شود؟ طرح این سؤال به این مسئله برمی‌گردد که انسان منفعت‌طلب و خودخواه، چرا حاضر می‌شود در مقابل زندگی جمعی، دست از تمامیت‌خواهی برداشته و تابع جمع شود. موجود حریصی که به قول شیخ اجل، آن نظریه‌پرداز بزرگ، چشمانش را با قناعت پر کند یا خاک گور. جامعه با این انسان چگونه شکل می‌گیرد. این موجود هوشمند تصمیم می‌گیرد، برای مهار کردن ذات منفعت‌طلبش، قواعد ارزشمندی وضع کند. این قواعد که برای انسان ارزشمند است و حیاتش به آن وابسته است را می‌توان ارزش نامید که با گسترش آن به هنجار تبدیل می‌شود. هنجارها به‌وسیله خانواده، گروه دوستان، نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و سایر عوامل برای فرد، درونی می‌شود و بدین‌وسیله فرد تابع یک زندگی جمعی

مدرن اتفاق می‌افتد بازاندیشی معطوف به آینده است. آینده را باید محاسبه کرد به کمک برنامه‌ریزی و طرح‌های حتی بلندپروازانه تحت انقیاد درآورد و از آن بهره برد. بهره‌برداری از زمان و مدیریت آن در این فرآیند بسیار اهمیت دارد؛ برای مثال، تکنولوژی ساعت، نمادی از کنترل انسان مدرن بر زمان و فرآیند تولید است. اگرچه زمانی، ساعت یک نماد اعیانی و نشانگر طبقه اجتماعی فرد بوده است، اما در فرایند توسعه، ساعت و مدیریت زمان، به معنای در اختیار گرفتن زمان امور است.

مطالعات علمی نشان می‌دهند که ورود ساعت به فرآیند تولید سرمایه‌داری، باعث اهمیت یافتن وقت‌شناسی و سخت‌کوشی شد. البته این ایده مورد نقد کارل مارکس است که معتقد است برای کارگر کارخانه «زمان همه چیز است و انسان هیچ نیست».

اکنون می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا جامعه کرمان که در حال گذار به مدرنیته است به زمان حال و گذشته نظر دارد یا رخدادهای آینده را طراحی و برنامه‌ریزی می‌کند؟ نتایج یک کار میدانی در شهر کرمان در مورد فرهنگ کار مغازه‌داران بازار ارگ منجر به خلق یک مضمون به نام «زمان مبهم» شد. از آنجا که در مدرنیته، روشنی نقش‌ها و برنامه‌ها پیش‌نیاز اساسی بهره‌وری است ابهام می‌تواند به‌مثابه یک دام مهلک عمل کند. اینجا سؤال این است که ابعاد و خصوصیات این «زمان مبهم» چیست؟ مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های عمیق نشان داد که مغازه‌داران ساعت دقیقی برای شروع کار و یا اتمام آن ندارند. ممکن است گاهی در میانه روز مغازه را تعطیل کرده و راهی خانه یا جای دیگری شوند. برخی خیلی دیر سرکار حاضر می‌شوند و از آن طرف ممکن است زود هم کرکره را پایین بکشند. برخی از مغازه‌ها یا تعمیرکاران؛ علی‌رغم این که ساعات کار را روی تابلوی مغازه نوشته‌اند اما اغلب به آن زمان اعلان شده پایبند نیستند. برخی از نقل قول‌های کسبه‌ها در مورد همکارانشان گویای خرده‌فرهنگ کار در حوزه زمان به شرح زیر است:

* «کسبه کرمانی هر زمان دلشون بخواد میان سرکار و هر زمان هم بخوان میرن».

* «کسبه کرمان ساعت کاری خاصی ندارن».

* «تا وقتی مشتری هست مغازه رو باز نگه میدارن و تا زمانی که دلشون بخواد در مغازه وای میستن».

* «کسبه بازار هر زمان دلشون بخواد میان سرکار و ساعت کاری خاصی ندارن».

* «کسبه بازار مخصوصاً در شیفت عصر هر زمانی که دلشان بخواد مغازه را می‌بندن».

* «درکرمان شاید ۱۰ درصد کسبه ساعت کاری خاصی دارن».

ریشه‌دار هستند. هنوز هم علی‌رغم این که مدرنیته، ساز و کار کشاورزی را به هم ریخته است می‌توان این قواعد مشارکت جمعی را در مراحل مختلف کشاورزی ملاحظه کرد.

قنات‌ها در ایران و به‌طور خاص در کرمان یکی از مظاهر برجسته مشارکت اجتماعی برای غلبه بر کم‌آبی است. در واقع مشارکت اجتماعی با فرهنگ کار و تلاش، پا به پای هم پیش آمده است. می‌توان مشارکت‌های پررنگ را در فعالیت‌های اجتماعی دیگر از قبیل جشن‌ها، مناسک مذهبی و حتی سیاسی هم ملاحظه کرد.

اما سؤالی که اینجا می‌توان طرح کرد، این است که با ورود جامعه کرمان به جهان جدید و مدرن، مشارکت اجتماعی و فرهنگ کار چه سرنوشتی پیدا کرده‌اند؟

اگرچه از گذشته آمار دقیقی در دسترس نداریم که میزان مشارکت و همچنین فرهنگ کار را بسنجیم، اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مردمان این دیار به‌خوبی از عهده سختی‌های طبیعی و البته غیرطبیعی برآمده‌اند. اکنون که سازمان اجتماعی به‌واسطه مدرنیته تغییر چشمگیری را ایجاد کرده است، مشارکت اجتماعی و فرهنگ کار تا چه حدی توانسته است با دنیای پرسرعت سازگار شود. در واقع با ورود مدرنیته، جامعه به آینده پرتاب می‌شود و این آینده مستلزم تغییراتی در بینش و روش زندگی جمعی انسان است. سرعت زندگی در دوران پیشامدرن آرام بوده و تغییرات نیز همراه آن به آرامی صورت می‌گرفته است. آیا می‌توان قواعد زندگی کشاورزی و دامداری را به جامعه مدرن پرسرعت تعمیم داد. طبیعتاً این جامعه نیازمند یک خانه‌تکانی اساسی در سبک زندگی، روحیه و جهان‌بینی است. قطار توسعه با سرعت می‌تازد و رسیدن به این قطار، مستلزم یک شخصیت وقت‌شناس است. شخصیتی که بسیار منظم، تابع قواعد و آینده‌نگر است.

هر جامعه‌ای به تناسب طبیعت و تاریخ توسعه، روابطش را با جهان تعریف می‌کند، برای مثال نتایج یک مطالعه انسان‌شناختی معتبر از پریچارد نشان می‌دهد که در قبایله آفریقای نوئر، هیچ عبارتی که معنایش معادل زمان باشد وجود ندارد. پریچارد بر این باور است که برخلاف جوامع امروزی که همه‌چیز قابل اندازه‌گیری است در میان نوئرها، زمان بسیار تنوع‌پذیر است. زمان به رویدادهایی مانند دوشیدن شیر، کارهای کشاورزی، زمان ماهیگیری و یا چرای گله بستگی دارد. برخی معتقدند که در زبان‌های آفریقای شرقی، حتی از کلماتی که به آینده دور اشاره کند بی‌بهره‌اند، گو این که زمان بیشتر رو به عقب می‌رود تا به جلو. پدیده‌ای که آنتونی گیدنز آن را بازاندیشی معطوف به گذشته می‌داند که خاص جوامع سنتی است و آنچه در جوامع

در جوامع بزرگ، رعایت قانون، می‌تواند بیانگر میزان نظم و یکپارچگی اجتماعی باشد. جالب است که یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد تقریباً ۱۷ درصد از ۳۵۰۰ پاسخگو، بتانسیل قانون‌گریزی دارند. همچنین ۳۷ درصد معتقد بودند «اگر کسی بخواد طبق قانون کارش را پیش ببرد از قافله عقب می‌ماند». این یافته‌ها نشان‌دهنده بتانسیل بالای قانون‌گریزی است.

آن‌ها را منظم‌تر و دقیق‌تر ارزیابی می‌کردند. نقل قول‌های زیر نشان‌دهنده وضعیت نظم در میان کسبه است:

* «کرمانی‌ها در کار خیلی مقید به نظم نیستن که این بی‌نظمی در همه زمینه‌ها وجود دارد»

* «نظم کاری برای کسبه کرمانی مهم نیست».

* «کسبه اصفهان و یزد منظم‌تر هستند».

* «کسبه کرمان کلاً نظم ندارن بعضی، اوقات مغازه رو یکدفعه می‌بندن و میرن یا شاگرد میذارن یا شماره تلفن میزنن دم مغازه».

بخش مهمی از توسعه کسب‌وکار و خرده‌فرهنگ کار در عصر مدرن، به نوع روابط در محیط کار و همچنین بازاریابی بر می‌گردد. جلب رضایت مشتری از دیگر مؤلفه‌های توسعه کسب‌وکار است. یافته‌ها نشان داد که هنوز این ویژگی‌ها در میان بعضی از فروشندگان جایگاهی ندارد. نقل قول‌های زیر توسط فروشندگان بازار ارگ بیان شده است:

* «وقتی مشتری وارد مغازه میشه. خرید کرد کرد، نکردم نکرد، خیلی براشون مهم نیست و برای ارائه محصول و مشتری وقت نمیذارن».

* «کسبه کرمانی مشتری رو از خودشون راضی نگه نمیذارن».

* «کاسب‌های کرمانی انرژی ندارن بلد نیستن با مشتری چطوری برخورد کنن و بازاریابی کنن».

* «کسبه کرمان کار و محصولشون رو به خوبی به مشتری ارائه نمیدن».

البته در کنار این ویژگی‌ها، به ویژگی‌های مثبتی هم اشاره کرده‌اند از جمله انصاف، صداقت، نداشتن حرص و طمع زیاد و عدم کلاهبرداری از مشتری.

برخی از یافته‌های یک پژوهش استانی که ۳۵۰۰ پاسخگو در تمام مراکز شهرستان‌های استان کرمان به آن پاسخ داده‌اند می‌تواند بیانگر وضع موجود استان در ارتباط با توسعه، فرهنگ کار و مشارکت اجتماعی باشد. در یک سؤال از پاسخگویان پرسیده شد که رفتار تبدلی کرمانی‌ها را در چه حدی ارزیابی می‌کنید. تحلیل داده‌ها نشان داد که تقریباً ۴۰ درصد از پاسخگویان رفتار تبدلی کرمانی‌ها را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

بخش دیگری از یافته‌ها که مرتبط با نظم و اولویت آن بود هم نتایج جالبی را نشان نمی‌دهد. از میان ۳۵۰۰ پاسخگو، نزدیک به ۴۴ درصد در مورد منظم بودن خود مردد بوده یا خود را منظم نمی‌دانستند. همچنین نزدیک به ۶۰ درصد موافق بودند که کار امروز را می‌توان به فردا واگذار کرد.

در جوامع بزرگ، رعایت قانون، می‌تواند بیانگر میزان نظم و یکپارچگی اجتماعی باشد. جالب است که یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد تقریباً ۱۷ درصد از ۳۵۰۰ پاسخگو،

نقل قول‌های بالا حکایت از نوعی گفتمان در بازار کرمان دارد که هنوز نتوانسته است با دنیای مدرن سازگار شود. چنین رفتارها و نگرش‌هایی منجر به بدقولی، وقت‌ناشناسی، عدم توسعه کسب‌وکار، از دست دادن مشتری و نهایتاً نداشتن طرح برنامه باشد که معنای آن از دست رفتن آینده و در حال ماندن و حتی برگشت به گذشته باشد.

مشاهده شده است گاهی برای این‌که مشتری از دست نرود شماره تلفنی نیز روی کاغذ نوشته و پشت شیشه به نمایش در می‌آید که «در صورت عدم حضور با این شماره تماس بگیرید». وقتی که دلیل این کار پرسیده می‌شود اغلب پاسخ می‌دهند «مشتری چندانی نداریم و هر کسی هم کار داشت می‌تواند تماس بگیرد». این یافته‌ها نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کار در دوران مدرن، یعنی زمان و پاسخگویی ناپدید گرفته شده است یا به عبارتی زمان هنوز به تسخیر کنشگران بازار در نیامده است. نظم یکی از کلیدی‌ترین عنصر توسعه به شمار می‌رود و زندگی در جهان مدرن، در صورتی که فاقد این عنصر حیاتی باشد از قطار توسعه باز خواهد ماند. شرح یک داستان با مضمون نظم در یکی از کشورهای توسعه‌یافته می‌تواند جالب باشد. داستان از این قرار است که جوانی به‌تازگی به استخدام یک اداره در می‌آید. مدیر از ایشان می‌خواهد که پرونده‌های قدیمی اداره را که دیگر مورد استفاده نیست و به هم ریخته است بیرون آورده و به ترتیب حروف الفبا آن‌ها را ردیف کند. جوان تازه استخدام شده با شوق فراوان و چندین روز کار، موفق به انجام دستور مدیر می‌شود. نهایتاً مدیر از ایشان می‌خواهد که پرونده‌ها را با نظم خاصی در حیاط اداره بچیند. بعد از این‌که جوان این کار را انجام می‌دهد مدیر دستور می‌دهد حالا این کبریت را بگیر و تمام پرونده‌ها را آتش بزن. جوان که حاصل چند روز کارش را بر باد رفته می‌دید، زبان به اعتراض می‌گشاید، اما مدیر باتجربه به ایشان می‌گوید، اولین درس تو در این اداره فراگیری نظم است، حتی اگر بخواهی چیزی را از بین ببری هم باید نظم برای تو در اولویت باشد.

حال به یافته‌های میدانی در مورد نظم برگردیم. در بخش دیگری از پژوهش میدانی از مشارکت‌کنندگان خواسته شد در مورد نظم کاری خویش سخن بگویند و خود را ارزیابی کنند. اغلب پاسخگویان معتقد بودند که نظم چندانی در بین کسبه برقرار نیست. تعداد قابل توجهی از مشارکت‌کنندگان، بی‌نظمی را نه تنها در حوزه کسب‌وکار بلکه در سایر حوزه‌ها هم مسلط می‌دیدند. وقتی از آن‌ها خواسته شد به ارزیابی خود در برابر دیگر شهرها بپردازند، آن‌ها خود را با کسبه استان‌هایی دیگر مانند اصفهان و یزد مقایسه می‌کردند و در این ارزیابی خود،

استان کرمان که

از یک اتمسفر

سنتی در حال

عبور به یک

فضای مدرن

است هنوز به

یک بازاریابی

معطوف به

آینده دست

زنده است. در

واقع این جامعه

به آینده پرتاب

شده است اما

هنوز در گذشته

سیر می‌کند. این

جامعه هنوز به

حال می‌اندیشد

و برای آینده‌اش

طرح و برنامه‌ای

ندارد.

تلاش و کوشش باشد و با این‌که توجه‌کننده انفعال و انزوا باشد. در این راستا از پاسخگویان پرسیده شد که چقدر شانس و اقبال در پیشرفت باور دارید یافته‌ها نشان داد که ۴۳ درصد از پاسخگویان معتقدند که اگر شانس یاری نکند، پیشرفت محال است. نکته کلیدی دیگر که قبلاً هم در مورد آن صحبت به میان آمد، داشتن و طرح و برنامه برای آینده است به عبارتی استفاده از زمان حال برای فراچنگ آوردن آینده است. پاسخ‌ها نشان می‌دهد که ۴۲ درصد آن‌ها معتقدند آینده آن‌قدر مبهم و نامعلوم است که نمی‌توان پیشاپیش برای آن برنامه‌ریزی کرد.

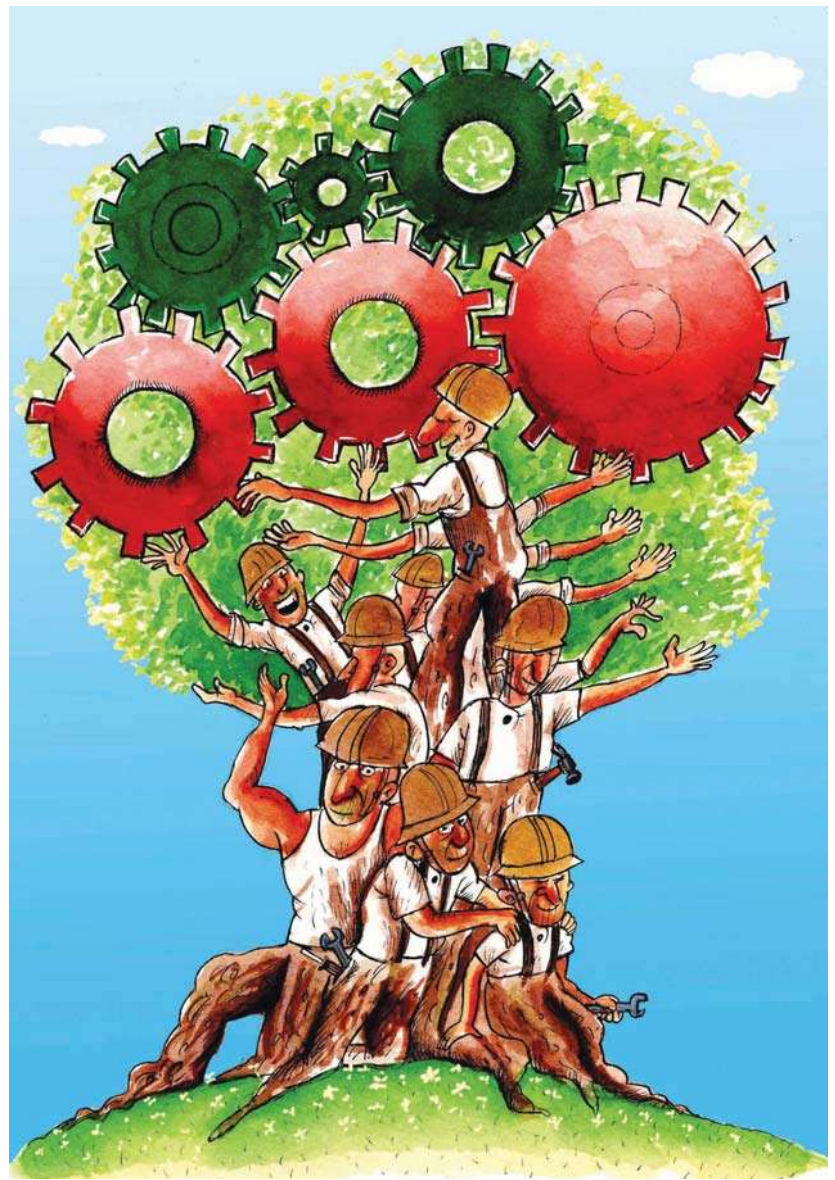
شاخص‌های مشارکت اجتماعی در جوامع جدید گویای میزان سازگاری با مدرنیته است. اگرچه جامعه کرمان نمره خوبی از لحاظ مشارکت در فعالیت‌های جمعی سنتی و مناسک مذهبی دارد، اما مشارکت در حوزه‌های نوین چندان جالب نیست. یافته‌های میدانی از کل استان نشان می‌دهد که میانگین مشارکت و عضویت پاسخگویان در گروه‌ها و انجمن‌هایی از قبیل باشگاه‌های ورزشی، انجمن‌های علمی- فرهنگی، انجمن اولیا و مربیان، اتحادیه‌های صنفی و انجمن‌های اسلامی کمتر از ۳۰ درصد می‌باشد. وقتی از آن‌ها در مورد اوقات فراغت و نحوه گذران آن پرسیده شد یافته‌ها نشان داد که نزدیک به ۸۰ درصد پاسخگویان برای گذران اوقات فراغت در هیچ گروه یا انجمنی شرکت نمی‌کنند.

به‌طور کلی در یک جمع‌بندی می‌توان گفت استان کرمان که از یک اتمسفر سنتی در حال عبور به یک فضای مدرن است هنوز به یک بازانديشي معطوف به آینده دست نزده است. در واقع این جامعه به آینده پرتاب شده است اما هنوز در گذشته سیر می‌کند. این جامعه هنوز به حال می‌اندیشد و برای آینده‌اش طرح و برنامه‌ای ندارد. زمان مبهم، ضعف نظم و مشارکت اجتماعی همگی نشانگر ضرورت یک تغییر اساسی در سطح استان است. یکی از جامعه‌شناسان به نام ویلن، در مورد کشورهای در حال توسعه از مفهومی به نام «مزیت دیر آمدن» سخن به میان می‌آورد. منظور ایشان این است که کشورهای در حال توسعه، اگرچه دیر به کاروان توسعه پیوسته‌اند، اما این مزیت را دارند که از مواهب توسعه بهره ببرند و بهره بردن از این مواهب، مستلزم یک بینش و منش متناسب با مدرنیته است. کشورهای حوزه شرق آسیا که به برهه‌های آسیا مشهور هستند به‌خوبی از «مزیت دیر آمدن» استفاده کردند و مسیری که غرب طی هفتاد سال طی کرد آن‌ها بیست ساله طی کردند. در نهایت با توجه به پتانسیل‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی استان کرمان، پیشنهاد می‌شود مسئولان استانی، برای یک اقدام جامع، به طرح مسئله و سپس اقدام اساسی بپردازند. ♦♦

پتانسیل قانون‌گریزی دارند. همچنین ۳۷ درصد معتقد بودند «اگر کسی بخواهد طبق قانون کارش را پیش ببرد از قافله عقب می‌ماند». این یافته‌ها نشان‌دهنده پتانسیل بالای قانون‌گریزی است.

چند سؤال برای بررسی انگیزه پیشرفت طرح شده بود که نتایج جالبی به دست داد. یک سؤال در مورد ترجیح تفریح بر کار مطرح شد که تحلیل پاسخ‌ها نشان داد: نزدیک به یک‌پنجم پاسخگویان ترجیح می‌دهند به‌جای کار به تفریح با دوستان بپردازند.

باور بیش از حد به بخت و اقبال هم می‌تواند مانعی برای



• طرح: جواد طریق •